پرسش از تاریخ

معمای قتل افشار طوس

مهسا جزینی

● ۶۱ سال پیش در این روزها، همه اخبار در پایتخت حول‌وحوش یک قضیه می‌چرخید. رییس شهربانی کشور، ۳۱ فروردین ربوده شده و دوم اردیبهشت به قتل رسیده بود. ششم اردیبهشت جنازه او در غار «تلو» یافت شد و مقارن این روزها بازجویی از مظنونان آغاز شده بود. اگرچه بعدا مشخص شد ربایش «افشارطوس» در مسیر هموارکردن مسیر کودتایی بوده که سه ماه بعد در مرداد ۳۲ دولت «مصدق» را سرنگون کرد اما «ام‌ای‌سیکس» و «سیا» در پشت صحنه بودند و «زاهدی» و برادران «رشیدیان» جلودار صحنه. این را روزنامه «ابزرور» در سال ۱۹۸۵ در گزارش مفصل خود درباره عملیات «چکمه» منتشر کرد. نکته جالب دیگر در این ماجرا این است که در سلسله اسناد وزارت خارجه آمریکا، جلد دهم از تاریخ ۲۶ فروردین یعنی ۱۵ روز پیش از ربایش تا ۱۸ اردیبهشت حذف شده‌است. حتی یک خبر هم درباره مفقود شدن رییس شهربانی ایران و قتل او وجود ندارد. اما چیزی که هیچ‌گاه مشخص نشد نقش «مظفر بقایی» در این رخداد بود. بعد از انقلاب وقتی زمزمه‌های محاکمه‌اش مطرح شد، گفت که اگر نقشی در این قضیه داشته‌ام پس مرا دادگاهی کنید. این اتهام چندان هم بی‌دلیل نبود. اول اینکه «افشارطوس» از خانه «حسین خطیبی» یارغار «بقایی» ربوده شد و سرتیپ «علی‌اصغر مزینی» در برگه‌های بازجویی خود همان زمان به شرح دسیسه‌چینی‌های «بقایی» و «زاهدی» می‌پردازد. «اردشیر زاهدی» هم در خاطرات خود فاش می‌کند که خبر سفر شاه در ۹ اسفند را او به «بقایی» می‌دهد. از سویی دیگر، حامیان بقایی کشاندن پای رییس حزب را به ماجرای قتل «افشار طوس» توطئه‌ای از جانب مصدق علیه «بقایی» می‌دانند. حتی مدعی شدند که «افشار طوس» درصدد برکناری «مصدق» بوده. در کتابی که سال ۲۰۱۱ با عنوان «اسرار مستند قتل سرتیپ افشار طوس» در خارج از کشور منتشر شد نویسنده بدون ذکر دلیل و مدرک متقن مدعی است که «افشارطوس» قرار نبوده کشته شود اما «مصدق» مسیر را به سمتی هدایت می‌کند که رابیندگان مجبور به کشتن او شوند و بعد سرهنگ «نادری» را که در جنایت دست داشته به ریاست اداره کارآگاهی می‌گمارد و سه نفر از ایادی زاهدی را به سمت‌های فرمانداری نظامی بازپرس و دادیار پرونده منصوب می‌کند تا هر شب در حضور آمران واقعی جنایت تشکیل جلسه دهند! اینها همه فرضیات نویسنده است و شاهد و سندی برگفته‌هایش نیست. در نهایت اینکه بنا بر برخی روایات «افشارطوس» نه در خانه «حسین خطیبی» یارغار «بقایی» بلکه در میکده مادام «تامارا روسی» در تجریش محل قرارش با «فروغ خطیبی» خواهر و معشوقه «افشار طوس» ربوده می‌شود و آنکه در ظاهر به خانه «خطیبی» رفته است بدل «افشارطوس» برای ردگم‌کردن بوده!!

انتقاد محجوب از عدم صدور مجوز راهپیمایی «روز کارگر»

قانون اساسی اجازه نداده کسی جای ما تصمیم بگیرد

شرق، آمنه شیرافکن: ساختمان «خانه کارگر» بوی «نم» می‌دهد. آجرچین‌های ساختمان به تاریخ پیش از انقلاب باز می‌گردد و هیچ نوسازی‌ای در این ساختمان قدیمی اتفاق نیفتاده. روایت است که «خانه کارگر» سال ۱۳۳۷ (پس از نوشته‌شدن قانون کار ایران) از اتحاد چند سندیکای کارگری شکل گرفته. در این ساختمان همه چیز بوی کهنگی دارد. در گرگ و میش دهم اردیبهشت ماه دم در اصلی این تشکل کارگری منتظر «علیرضا محجوب» هستیم و گفت‌وگو با او در اتاق کاری کوچکی در طبقه سوم ساختمان انجام می‌شود، با تراسی پر از صدا رو به خیابان «ابوریحان». قاب رنگ‌وروپریده‌ای نام و نشان و سالروز تاسیس «خانه کارگر» را نشان می‌دهد. امضای «عبدالله نوری»، وزیر کشور وقت پای مجوز تاسیس آمده و روی کاغذ آفتاب‌خورده تابلو، به سختی خوانده می‌شود.

ریشه خانه کارگر به شاخه کارگری حزب جمهوری اسلامی می‌رسد. خانه کارگر ۱۵دی سال ۷۰ توسط حسین کمالی، علیرضا محجوب و علی ربیعی تاسیس شد. گفت‌وگو با محجوب درست یک روز مانده به برگزاری راهپیمایی روز کارگر انجام شد و او هنوز امیدوار به صدور مجوز است. محجوب بلندتر و عصبی‌تر از همیشه حرف می‌زند و به اینکه دولت «حسن روحانی» این حق جامعه کارگری را به مطالبه تبدیل کرده، نقد دارد. تُن صدای رییس فراکسیون کارگری مجلس به بالاترین سطح خودش می‌رسد و می‌گوید: «مگر می‌خواهیم مسلحانه راهپیمایی کنیم که مجوز نمی‌دهند. باید ثابت کنند که یا ما مسلح هستیم، یا اینکه قصد اخلال در امور داریم. آیت‌الله مهدوی دهه ۶۰ هم برای گروه‌های چریک فدایی و نیروهای چپ استدلال می‌کرد و حرفشان را می‌شنید، امروز مسوولان ما را چه شده؟»

به جز سال ۸۴ که، ریاست محمود احمدی‌نژاد بر دولت، حال‌وروز خوشی برای کارگران ایران به دنبال نداشت آنها در تمام این سال‌ها از حق برگزاری راهپیمایی محروم بودند اما حالا شرایط ایجادشده در سال‌های پیش، دولت را به جایی رسانده که از ارایه مجوز به راهپیمایی کارگران سر باز زده و موضوع تجمع را مطرح کرده‌اند. تجمعی که به‌گفته محجوب، مجوز نمی‌خواهد و نیاز به هماهنگی ندارد. گفت‌وگوی یک ساعته ما با «دبیرکل خانه کارگر جمهوری اسلامی ایران» پر از واگویه‌های تلخ است؛ تلخی که انتظار می‌رفت دست‌کم با ارایه مجوز راهپیمایی به کارگران در سال ۹۳ به شیرینی یک باور درست از حقوق کارگری و قانون اساسی مبدل شود؛ اتفاقی که تا به اینجای کار محقق نشده است.

فکر می‌کنم رفته‌رفته باید از ارایه مجوز راهپیمایی روز کارگر صرف نظر کرده باشید؟

خیر، ما تا آخرین دقایق هم امیدواریم که مسوولان تدبیر به خرج داده و برای برگزاری راهپیمایی مجوز صادر کنند. اما تا اینجای کار جواب رسیده به ما به صورت کتبی منفی است. قانون در این بخش صراحت دارد و ما هم نمی‌خواهیم خلاف قانون عمل کنیم. اصل ۲۷ قانون اساسی در این زمینه تاکید کرده و حالا شوراهای تامین و کمیسیون ماده ۱۰ احزاب اجازه ندارند با تفسیر به رای مجوز راهپیمایی ندهند. مگر در دهه‌های پس از پیروزی انقلاب کسی حرفی از مجوز راهپیمایی می‌زد. قرار است هر چه پیشتر می‌آییم حقوق و آزادی‌های شهروندی بیشتر به رسمیت شناخته شود نه اینکه محدودتر شود.

به هر شکل آنها تفسیر خودشان را داشته‌اند و اتفاقا می‌گویند که مستند به قانون مجوز نمی‌دهند، البته معاون امنیتی استاندار هم به تازگی اعلام کرده که اگر مصلحت بدانند، حتما مجوز می‌دهند. این مصلحت یعنی چه؟

ببینید نص قانون در این بخش صریح‌تر از آن است که بخواهیم وارد تفسیر آن شویم. حالا یا باید اثبات کنند که ما مسلح هستیم یا اینکه قصد اخلال در امور داریم. نه‌اینکه بدون هیچ صحبتی مخالفت کنند. گروه‌هایی در ابتدای انقلاب مسلح بودند و مطالبی علیه اسلام می‌گفتند. با مایی که قرار است حرف حق بگوییم چرا باید اینطور برخورد شود. ما که معتقدیم دولت روحانی جلوتر از برخی وعده‌های خود حرکت کرده. البته این حرف به این معنا نیست که اشکالی وجود ندارد و کارگران حالا دیگر مشکلی ندارند. اصل روز کارگر جشنی است که در همه دنیا برگزار شده و در ایران هم در اغلب سال‌ها به این شکل برگزار شده و کمتر موضوع درخواست اجازه در این سال‌ها مطرح بوده. گروه‌های کارگری هرطور راحت بودند در جایی که مایل بودند راهپیمایی می‌کردند و از این داستان‌ها خبری نبود.

فکر نمی‌کنید وضعیت معیشتی کارگران و متراکم‌شدن خواسته‌ها، دولت را نگران کرده، همین‌که معاون امنیتی استاندار اظهارنظر می‌کند، نشانه‌ای بر همین ماجرا نیست؟

ما باید حسب قانون حرف بزنیم. اصل قانون بر آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌هاست.

نص قانون، صریح، اما آیا شما این نگرانی را وارد می‌دانید، اینکه برخی نگران مسایل امنیتی باشند؟

اصل ۲۷ قانون اساسی تاکید دارد که «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است.» هیچ‌کجای این بند قانون اساسی به مسایل امنیتی اشاره نشده و نگفته‌اند که نباید مخل امنیت کشور باشد. حالا برخی می‌گویند قانون اساسی در فضای ابتدای انقلاب نوشته شده و حتی با پذیرش اینکه قانون‌نویس هم فراموش کرده، در دیگر بندهای قانونی چیزی به نام اخلال در امنیت وجود ندارد. اما باز هم تاکید کنم که مطالبه ما فراتر از قانون نیست. اتفاقا در قانون برنامه که دوسال پیش نوشته شد و در مجلس به تصویب رسید، دولت مکلف شده تا به تامین‌اجتماعی رسیدگی کند اما در همین بند هم رعایت حق اعتراض کارگران و به‌رسمیت‌شناختن آن ضروری است.

> **اصل ۲۷ قانون اساسی**
>
> **تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است**

به‌تازگی گفته بودید که در راهپیمایی، بنا ندارید اعتراض کنید، مگر راهپیمایی بدون اعتراض هم می‌شود؟

من حالا به شما می‌گویم راهپیمایی - ولو برای اعتراض - ایرادی ندارد. اتفاقا چه بهتر که اعتراض‌ها به‌جای زیرزمینی‌شدن، در قالب یک راهپیمایی صنفی مطرح شود. آنها که نیت ما را می‌دانند، ما که نمی‌خواهیم خلاف نظام و دولت رفتار کنیم. اگر پیش‌بینی برخی شلوغی‌ها هم می‌شود، باید تدابیر لازم لحاظ شود. نمی‌شود وقتی قوانین متعدد حق راهپیمایی کارگر را به رسمیت شناخته به کارگر بگوییم که راهپیمایی نکند.

آقای محجوب در همین سال ۹۳ فرآیند پیگیری و رایزنی شما با مسوولان برای برگزاری راهپیمایی به چه صورت بوده؟

از یک‌ماه قبل درخواست برگزاری همایش دادیم و مدام با مسوولان کمیسیون احزاب، تلفنی در تماس بودم و از طریق معاونت امور مجلس پیغام فرستادم که هر رایزنی‌ای لازم باشد، ما آماده‌ایم. اما آنها باید برای نظرخواهی و چانه‌زنی از ما دعوت می‌کردند و مصالحشان را می‌گفتند، این حق ماست که درخواست راهپیمایی کنیم و وظیفه آنها که برای عدم موافقتشان توضیح و دلیل ارایه کنند. اینکه صرفا بگویند مخالفیم، بی‌معناست. حتی در دهه ۶۰، شخص آیت‌الله مهدوی‌کنی با نیروهای چریک فدایی و نیروهای چپ حرف می‌زد و با استدلال، دلایل مخالفت برگزاری راهپیمایی را مطرح می‌کرد، اما همین برخورد هم با ما نشد. قانون اساسی اجازه نداده کسی جای ما تصمیم بگیرد.

فکر نمی‌کنید، تضعیف فعالیت‌های صنفی - کارگری در این مساله ریشه داشته، به هر شکل اگر ما توان صنفی قدرتمندی داشتیم شاید دولت هم جور دیگری با این مساله برخورد می‌کرد؟

ببینید در ستادی که به این مناسبت تعیین می‌شود همه هستند، حتی وزارت کشور هم نماینده دارد. ستاد هفته کارگر گروه و جریانی نیست و همه در آن حاضرند. حالا درست که نامه را «خانه کارگر» نوشته اما در ستاد مطرح شده و همه موافق بوده‌اند. وقتی درخواست باشد تفاوت نمی‌کند که چند تا صنف و تشکل داریم و کدام این مساله را دنبال می‌کند، وقتی نمی‌خواهند مجوز بدهند، خب نمی‌دهند.

البته منظورم ضرورت تشکل‌یابی بیشتر در میان کارگران است.

ببینید همین دولت گذشته بنا داشت برخی تشکل‌های حامی دولت به وجود آورد که راه به جایی نبرد.

البته دولت آقای احمدی‌نژاد علیه برخی صنف‌های کارگری، فعالیت‌های منسجمی انجام داد؟

بله، برای ما بارها طومارها و بیانیه نوشتند و سیاه‌نمایی کردند و خواستند به کار ما ایراد بگیرند. اما نتیجه این امور به نفع ما شد. ما تا سال ۸۳ عضوگیری غیرمستقیم داشتیم و اعضای تشکل‌ها به طور غیرمستقیم عضو خانه کارگر می‌شدند و تعداد عضوگیری مستقیم ما تا همین سال ۸۳ حدود ۳۱هزار نفر بود اما بعد از سیاه‌نمایی‌های صورت‌گرفته، عضوگیری مستقیم ما به رقم ۲۸۴هزار نفر در سال گذشته رسید و حالا در آستانه ۳۰۰هزار نفر است. اتفاقا یکی از وزرای سابق کار را دیدم و گفتم به خاطر اطلاعیه و بیانیه‌های شما تعداد عضوگیری ما بیشتر شده، به ایشان گفتم کارگران با آنچه شما فکر می‌کنید متفاوت هستند و همه فکر می‌کنند ما یک جای خاصی هستیم با ویژگی‌های خاص.

البته در همین حین، حمایت‌های عجیب‌وغریبی هم از برخی دیگر از تشکل‌ها صورت گرفت.

تشکل‌ها، دسته‌جات مختلفی هستند و برخی از آنها پوشالی هستند. همان سالی که وزیر هم از جمع خود ما بود، ما تشکل را در وزارت کار ثبت نکردیم. فکر می‌کردیم برخی تشکل‌ها تحت‌پوشش قرار می‌گیرند و ناچارند با دولت هم‌صدایی کنند.

خب اگر می‌گویید حسب قانون، منعی ندارد، پس مشکل چیست؟

نمی‌خواهیم وارد تنش شویم. درخواست ما غیرقانونی نیست ولی ما می‌خواهیم از تصمیم حاد پرهیز کنیم. حتی در سال‌های پس از ۸۴ هم اجازه ندادیم که اختلاف‌ها به رویارویی تبدیل شود.

به هر حال این چند روز کارگران در انتظار ارایه صدور مجوز راهپیمایی بوده‌اند، واکنش‌ها به شخص شما چطور بود؟

اجازه بدهید همین‌جا یک نکته مهم دیگر را هم بگویم. فرض اینکه ما درخواست مجوز هم نکرده باشیم، مسوولان باید از ما دعوت می‌کردند و به ما می‌گفتند که پیشنهاد دهیم، چراکه راهپیمایی یک ضرورت است و نباید مطالبه شود. اما درباره سوال شما، این روزها با هر کارگری که دیدار داشتم از من درباره راهپیمایی پرسیده. دیروز هم آیت‌الله هاشمی گفتند که برگزاری راهپیمایی نه‌تنها برای کسی اذیتی ندارد که نفع دارد. اگر کسی نفع نظام را مورد توجه قرار دهد، باید مجوز دهد.

البته شما دوره احمدی‌نژاد موفق به راهپیمایی نشدید، آیا آن موقع بنای‌تان بر سکوت بود؟

در سال ۸۴ راهپیمایی کردیم و بعد به مشکل خوردیم اما در گذشته هر سال خودمان خواستیم راهپیمایی و اجتماع کردیم. البته در همان ایام هم تجمع داشتیم؛ حتی در محل همین خانه کارگر هم دو سال میزبان مراسم روز کارگر بودیم، خب جمعیت افزوده می‌شد و بعد به استادیوم می‌رفتیم.

ماجرای صدور مجوز برای راهپیمایی روز کارگر از چه تاریخی مطرح شد؟

سال‌های قبل از دهه ۸۰، بحث حرکت اعتراضی مطرح شد و در ستاد مصوب کردند که برای راهپیمایی مجوز بگیرند.

چه افرادی در مسند تصمیم‌گیری بودند، این تاریخ که مربوط به حضور اصلاح‌طلبان در قدرت است؟

جریان به ۱۳ سال پیش برمی‌گردد و جزییات یادم نیست. اما به‌خاطر حوادث و کشاکش و زدوخوردها، مساله صدور مجوز مطرح شد. یک‌سال مراسم مقابل سازمان تامین‌اجتماعی برگزار شد که به برخی تنش‌ها منتهی شد، البته پلیس مکلف بوده تا از ساختمان محافظت کند. چراکه آن موقع ۵۰هزارنفر جمعیت آمده بودند و وقوع برخی تنش‌ها قابل پیش‌بینی بود.

یعنی قبل از سال ۸۰ مشکلی نداشتید؟

نه، حتی نماینده وزارت کشور هم در جلسه‌های ستاد برگزاری هفته کارگر حاضر بود. پیش‌تر راهپیمایی روز کارگر مانند ۲۲ بهمن نیازی به مجوز نداشت. برگزاری راهپیمایی روز کارگر سال ۶۶ در کمیته تبلیغات دولت مصوب شده و حالا برای گرامیداشت همین روز که به شکل ملی تصویب شده، این‌همه مشکل داریم.

گویا با راهپیمایی در شهر یزد هم مخالفت شده؟

در یزد هم از یک ماه پیش برای صدور مجوز، رایزنی آغاز شد. یزد، شهری کارگری است و قرار بود ۲۰هزارنفر در راهپیمایی حاضر باشند. اما نه‌تنها با راهپیمایی مخالفت شده که گفته‌اند، باید تجمع ۴۰۰نفری برگزار کنید، مگر راهپیمایی و تجمع روز کارگر، مراسم عقد و عروسی است که برای مردم کارت دعوت بفرستیم و عدد میهمان‌ها را تعیین کنیم.

خب حالا که تقریبا مخالفت با درخواست شما قطعی شده، راهکار مشخصی برای پیگیری این مطالبه دارید؟

اگر بخواهند وضعیت را به همین شکل پیش ببرند، در ماه‌های آینده برای مخالفت با این تصمیم غیرقانونی درخواست راهپیمایی می‌دهیم تا با عدد و رقم، مشخص شود چند نفر متقاضی چنین حرکتی هستند و مخالف عدم ارایه مجوز راهپیمایی. کارگزاران دولت دقت کنند که دوستان دولت را آزار ندهند، چنانچه برای همین راهپیمایی، یکی از شعارهای ما، حمایت از دولت و تاکید بر جلوگیری از تخریب دولت بود.

فکر نمی‌کنید عدم صدور مجوز به ناامیدی در طبقه کارگر دامن بزند؟

اتفاقا نگرانی ما هم همین است، اینکه کارگران ناامید نشوند. دوست داریم کارگران طرفدار انقلاب و دولت باشند اما این تصمیم‌ها شبهه وارد می‌کند.

خب بالاخره امروز چه خواهید کرد؟

پیش‌بینی شده که مانند سال‌های پیش، اجتماع برگزار کنیم. روز کارگر هرگز ساکت ننشستیم و بدون برنامه نبودیم، حتی در بدترین شرایط.

آینه

جمهوری اسلامی

یادداشت: «احساس نیاز به یارانه، چرا؟»

در ماجرای تبلیغات برای منصرف‌کردن مردم از دریافت یارانه، حتی پای مراجع عظام تقلید و علمای مورد قبول آحاد مردم نیز به صحنه کشانده شد، اما با اینکه مردم از مراجع عظام و علمای دینی به‌دلیل آنکه آنها را پرچمداران شریعت اسلامی می‌دانند حرف شنوی دارند و همواره آنها را مورد احترام و تعظیم و تکریم قرار می‌دهند، اما در این مورد خاص موضع‌گیری آن بزرگواران نیز موثر واقع نشد و نتوانست بر تعداد انصرافدهندگان طبق انتظار دولت بیفزاید. دقیقا به همین دلیل است که همواره تذکر داده شده نباید از اعتبار بزرگان دین به هربهانه‌ای بهره‌برداری کرد. هرچند در تدین ملت ایران اسلامی هیچ تردیدی وجود ندارد اما احساس فقری که اکنون در میان عامه مردم رسوخ پیدا کرده، هرچقدر هم که با واقعیت‌ها منطبق نباشد و فقر عمومی تلقی نگردد که قطعا هم اینگونه نیست، با این حال، پدیده‌ای است که سرمایه اجتماعی را با خطر مواجه کرده است.

ابتکار

سرمقاله: «این چندروز که نبودیم!»؛ محمدعلی وکیلی

در این سه‌روز از نگاه‌های تیزبین و تحلیلگر مخاطبان عزیز محروم بودیم، اظهار محبت بسیاری از خوانندگان و مردم قدرشناس مسوولیت‌مان را دوچندان کرد. به‌هیچ‌وجه راضی به اتفاقات پیش‌آمده نبوده و نیستیم... رفتارهای پارتیزانی در حوزه روزنامه‌نگاری را قبول نداشته و اصل تدریج و حکمت را در تاثیرگذاری مبنا قرار داده‌ایم... آنچه باعث توقیف چندروزه ابتکار شد و ناراحتی برخی مسوولان و دل‌آزاری مخاطبان را در پی داشت، از جنس خطاهای غیرعمد و البته با اعتماد همراه با کم‌دقتی به برخی منابع خبری داخلی بوده است. از این بابت از همه کسانی که در نتیجه خبر روز پنجشنبه مندرج در شماره ۲۸۴۹ آزرده‌خاطر گردیدند و در راس آن‌ها مقامات محترم قضایی کشور، صمیمانه پوزش می‌طلبیم و از دادستان محترم کل کشور و دادستان محترم تهران که در حل مشکل به‌وجودآمده و رفع توقیف روزنامه مساعی به خرج دادند و مساعدت خیرخواهانه کردند کمال تشکر را دارم.

ایران

«فیلم «تلفن دیپلماسی» هم ساخته شد!»

خبر اول اینکه در شرایطی که قوه‌قضاییه به موضوع مستندسازی علیه رییس‌جمهوری وارد شده است، خبر رسیده که فیلم دیگری با عنوان «تلفن دیپلماسی» آماده اکران است. موضوع این فیلم، گفت‌وگوی تلفنی باراک اوباما و حسن روحانی است. به گزارش رجانیوز سایت گروه پایداری، این فیلم گزارشی از صدور دیپلماسی دولت یازدهم با نگاه به دستاورد توافقنامه ژنو است که هفته آینده در یکی از دانشگاه‌های قم اکران می‌شود. فیلم جنجالی «من روحانی هستم» که به ارایه گزارش «تحریف‌شده» و «غیرواقعی» از رییس‌جمهوری کشورمان پرداخته بود با واکنش شدید رییس مجلس و قوه‌قضاییه روبه‌رو شد. سخنگوی قوه‌قضاییه از ورود دادستان تهران به این موضوع خبر داد و گفت: «این فیلم مورد بازبینی قرار می‌گیرد.» هنوز محتوایی از فیلم «تلفن دیپلماسی» منتشر نشده اما منابع تهیه این فیلم عمدتا مخالفان توافق ژنو هستند.

کیهان

سرمقاله: «منتقدان رقیب شما نیستند»؛ محمد ایمانی

انسان مومن شناسنامه دارد؛ صاحب هویت است. اما این شناسنامه و هویت فراتر از سجل ثبت احوال یا تحصیلات و کسوت و موقعیت اجتماعی و سیاسی فرد است... رییس‌جمهور محترم... از فرهنگ و نقد و آزادی بیان و ممیزی و نیز «شناسنامه» سخن گفتند... رییس‌جمهور محترم با این سخن و سخنان مشابهی نظیر اینکه مردم در انتخابات سال گذشته به افراط رای ندادند و به اعتدال رای دادند، از یک طرف خود را میزان و فرقان حق و باطل و افراط و اعتدال معرفی می‌کند- که متاسفانه نگران‌کننده است و بوی خودشگفتی و استبداد رای می‌دهد- و از طرف دیگر هرچه منتقد است را به «جناح» و دسته و باند می‌چسبانند و در قالب تنگ جناح و جناح‌بازی قرار می‌دهند! آیا دولت مدعی فراجناح‌بودن نمی‌تواند منتقد فراجناحی داشته باشد؟ ... آقای روحانی نمی‌تواند روحانی نباشد. روحانی‌بودن همه حیثیت و هویت و شناسنامه اوست... اما باید به لوازم چنین شناسنامه‌ای پایبند بود. و بالاخره این یک جمله را باید گفت که مردم از دولت، کار و خدمت می‌خواهند و نه نظریه‌پردازی و سخنرانی.

جوان

یادداشت: «غوغاسالاری برای یک مستند»؛ مصطفی شاه‌کرمی

مستند «من روحانی هستم»؛ روایتی تاریخی از ۵۰سال زندگی سیاسی حجت‌الاسلام حسن روحانی رییس‌جمهور فعلی کشورمان است... از موضوعاتی که در رابطه با این مستند مطرح می‌شود... این است که «گروه چندرسانه‌ای شفق» به عنوان سازنده مستند مجوز ساخت چنین اثری را نداشته است. فقط من‌باب انبساط‌خاطر دوستانی که چنین مساله‌ای را مطرح می‌کنند باید عرض شود که چه‌بسا فیلم‌های سینمایی غیرقانونی و بدون مجوزی که بارها در کشور ساخته شده و بعضا برخی از فیلمسازان که جزو جماعت نسوان هستند پس از تولید، مجوز ساخت فیلم چنداپیزودیشان توسط پیک‌موتوری (با توجه به نقل‌قول برخی مسوولان وقت سینمایی) به دست‌شان رسیده است! یا فیلم‌های بدون مجوز و اغلب دروغ‌پردازانه نسبت به فضای عمومی کشورمان که حتی در جشنواره‌های خارجی به‌عنوان نماینده کشورمان شرکت کرده و جوایزی هم گرفته‌اند! و با سلام و صلوات به کشور بازمی‌گردند و آب از آب تکان نمی‌خورد! ... آن وقت یک عده‌ای ابن‌الوقت که فقط کارشان غرغرکردن و ایرادگرفتن و پز روشنفکری‌دادن است، برای یک مستندی که منابع ارجاعی روشن و قابل دسترسی برای همگان دارد، اتهام دروغ‌گویی را مطرح می‌کنند!

هرغنچه نشکفته را چون گل شکوفا می کنی
روز معلم مبارک

هموطن گرامی
با همیاری توست که من مشق یاری می نویسم.

بنیاد خیریه سپهر با همراهی شما خیرین هزینه تحصیل کودکان تحت پوشش خود را تامین می نماید.

شماره حساب بانک ملت: ۴۵۵۰۷۳۹۹/۰۴
شماره کارت عابربانک دی: ۵۰۲۹-۳۸۱۱-۹۹۵۰-۲۴۶۹
پرداخت از طریق تلفن همراه: * ۷۳۳ *۴ *۱۶۶۴۹۸ #

www.sepehrcharity.com
جذب کمک های مردمی: ۲۲۰۳۴۶۱۳
شماره پیامک : ۳۰۰۰۲۱۱۸۸۰۰۸۰۰